

بررسی اثر گذاری های متفاوت معماری سنتی با معماری نوین

خانه دوست بی کاهگل و چوب،بی حوض و حیاط!



■ زینب شکوهی طرقي

راز و رمزش را خوب نمی‌فهمم، انگار سسر این آسایش و راحتی‌اش درست در بین دالان‌ها، اتاق‌ها یا دور گنبد اتاق مرکزی مخفی شده که از طرفی نمی‌توانم پیدایش کنم اما از طرف دیگر با تمام وجود احساسش می‌کنم.

اما ایمان دارم که رازی مثل یک اکسیر در اتاق به اتاق این خانه قدیمی وجود دارد که به محض قدم گذاشتن در آن سراسر وجودم را به تسخیر خودش درمی‌آورد، آرامشی دوست‌داشتنی و وسیع!

همان لحظه اول ورود به این خانه، وقتی کلون زنانه در رازدم انگار خودم احساس می‌کردم که کسی یا چیزی سحرآمیز انتظار ورود به خانه را می‌کشد. از راهروی نسبتاً تاریک ورودی که گذشتم درست روی پله اول ورودی حیاط چشم در چشم آفتاب، زیبایی حیاط شو کام کرد! اینجا در خانه طباطبایی‌ها همه چیز تازه‌است، انگار انرژی در گوشه گوشه این خانه می‌چرخد، اگر چه در این خانه دیگر خانه نیست که به تصور من با هزار و یک رنگ مبلمان یا فرش آنچنانی دستپاخت خانه را بپاراید اما انگار همه چیز اینجا هنوز بوی خوش زندگی می‌دهد، من صدای بازی کردن بچه‌های ۱۸۵ سال قبل را می‌شنوم، من بوی چند صدمتری اسپن خانه و دستپخت خانم را احساس می‌کنم، انگار ذره ذره خاطرات آن روزها در تکه تکه دیوار و پنجره حفظ شده و می‌خواهد همینطور دست نخورده باقی بماند.

انگار در این خانه همه چیز از درب، کلون، راهرو و دالان دست به دست هم داده‌اند تا من را به اوج لذت آرامشم برسانند اما چطور؟ نمی‌دانم! این چه رازی است که من را در این خانه کاهگلی قدیمی چنان سر و جد می‌آورد که در خانه چند صدمتری شهری با هزار و یک امکانات به قول ما امروزی چنین قایلیتی وجود ندارد؟!

ذهنم پر از سؤال است، هزار و یک سؤال از حال و هوا و فضای متفاوت خانه‌های سنتی مانند خانه دوست‌داشتنی طباطبایی‌های کلشن با خانه‌های مدرن و آشفته‌مان، باید جواب این سؤال‌ها و تفاوت‌ها را پیدا کنم، مطمئتم سر رشته جواب این سؤال‌ها به سبک زندگی و معماری قدیمی‌ترها بازمی‌گردد، دست به کار می‌شوم و سراغ منبع پاسخ‌گیری می‌گردم.

■ **کاهگل و چوب، منبع انرژی خانه‌های سنتی**

دکتر محسن پرواحدی یکی از شرکت‌کنندگان ثابت همایش‌های معماری سنتی است. دکتر پرواحدی در باره تفاوت‌های خانه‌های سنتی و قدیمی می‌گوید: حقیقتش را بخواهید من فکر می‌کنم این انرژی مثبت و شغف‌آوری که همه امروزی‌ها آن را با حضور در خانه‌های قدیمی پیدا می‌کنند به هزار و یک عامل پیدا و نهان بازمی‌گردد. اولین نکته و بارزترین خصلت خانه‌های قدیمی وجود عناصر سازنده متفاوت در آنهاست. کاهگل، خشت، تیرها و در بهای چوبی از مهمترین انرژی‌دهنده‌ها به خانه‌های قدیمی هستند.

بگذارد تفاوت تأثیر گذاری این مصالح در انرژی خانه را واضح‌تر توضیح دهم، حتماً شما هم شنیده‌اید که روانشناسان توصیه می‌کنند که بسرای اینکه خواب با کیفیت‌تری داشته باشید بهتر است اجسام فلزی و الکترونیکی را از محیط اتاق خواب دور کنید در مقابل از اجسام چوبی و گلی استفاده کنید چون گردش انرژی در اتاق‌هایی با اینز مصالح بهتر اتفاق می‌افتد.

توصورش را کنید وقتی در مورد یک اتاق توصیه به استفاده از مصالح چوبی و گلی برای انرژی‌دهندگی بهتر می‌شود چطور می‌توان انتظار داشت خانه‌ای که از ریشه بن با این مصالح ساخته شده چنین انرژی شگفت‌آوری را به بازدید کنندنده و ساکنان منتقل نکند؟!

دکتر پروواحدی معتقد است: «بخش مهمی از فضا و احساس دلنشین حاکم بر خانه‌های سنتی بر گرفته از معماری و سبک و سیاق اصولی خانه‌سازی سنتی است، نکته مهم در ساخت خانه‌های سنتی این است که از ابتدا و پشت در هویت زن یا مرد برای خانه‌خانه مشخص می‌شود، زن کلون مرانه در خانه‌این پیام را به صاحب‌خانه می‌دهد که نامحرم پشت در است و بهتر است با حجاب برای باز کردن در برود، از طرف دیگر صدای کلون زنانه

تابش برای تعیین زمان یکی از رایج‌ترین نوع زمان بندی قدیمی‌ها بوده که وجود حیاط وسیع و نورگیر و اتاق‌های مشرف به نور خورشید این کار را ساده‌تر می‌کرده است. نکته مهم در مورد خانه‌های قدیمی این است که هر کسی این مورد آن است که این راهروها معمولاً طوری طراحی می‌شدند که درست روبه‌روی نور خورشید قرار گیرند. همین خصوصیت باعث می‌شد که مهمان بعد از گذر از یک تار یکی موقت به منبع نور طبیعی و نمایی زیبا از حیاط وارد می‌شود، یک لحظه با خودتان تصور کنید اگر شما مهمان چنین زیبایی خانه‌ای باشید در همان بدو ورود چه لحظه و نمای زیبایی از خانه را تجربه می‌کنید؟»

■ همه چیز حول محور حوض و حیاط

آینه‌ه همیشه منعکس‌کننده نور و روشنائی در خانه‌هاست و شاید به خاطر همین انعکاس نور است که خوش‌یمن خوانده می‌شده است، خاطرم هست در جایی خواندم که در قدیم چون امکان نصب و تعبیه آینه‌های بزرگ در مرکز اتاق‌ها و حتی حیاط خانه وجود نداشته اولین چیزی که معماران قدیمی به فکر ساخت آن می‌افتادند حوض‌های بزرگ آن‌هم در وسط حیاط بوده است.

پوریا صابری، کارشناس ارشد معماری درباره ضرورت وجود حوض‌های بزرگ در حیاط خانه‌های قدیمی می‌گوید: «آن روزها که از تلویزیون، کامپیوتر، موبایل و تبلت بالای جان‌ما امروزی‌ها خبری نبوده صاحب‌خانه ترجیح می‌داده که تمام اتاق‌های خانه یک چشم‌انداز زیبا

روبه حیاط، آن‌هم در قلب خانه داشته باشند، بله، درست شنیدید حیاط در خانه‌های قدیمی مصداق قلب خانه بوده است چون این حیاط با فضای باز و وسیعی که داشته امکان مشاهده هنر نمایی آسمان را در هر لحظه از روز به ساکنان می‌داده است.

از طرف دیگر تمام فعالیت‌های مهم خانه اعم از شست و شو، دور هم جمع شدن‌ها و آشپزی‌های بزرگ در همین حیاط انجام می‌شده پس ترجیح می‌دادند اتاق تمام اعضای خانواده به حیاط اشراف کامل داشته باشد.

معمولاً در کنار حیاط، پشت به غروب آفتاب و درست روبه‌روی مشرق بزرگترین ایوان خانه را می‌ساختند تا اهل منزل از صبح تا غروب نهایت استفاده ممکن را از نور خورشید ببرند. دوم اینکه هنر نمایی رنگ، نور، طبیعت

و انعکاس را در حیاط وسیع به تماشا بنشینند. در واقع حیاط مرکز و محور تفرج و جمع‌شدن‌های اهل خانه به‌شمار می‌رفته است.

از آنجا که در ۱۰۰ سال قبل خبری از انرژی نور و روشنائی در خانه‌های ایرانی هانیوده پس صاحب‌خانه باید نهایت دقت را در طراحی و جاگیری اتاق‌ها به خرج می‌داده است.

در اغلب خانه‌های قدیمی اتاق‌های مهمان، نشیمن و مطبخ‌خانه درست کنار ایوان اصلی و مقابل آفتاب قرار می‌گرفته در مقابل اتاق‌های مربوط به نگهداری خوراکی‌ها یا اتاق خواب‌ها سمت دیگر حیاط و مقابل ایوان روبه مشرق قرار می‌گرفتند. طرز قرار گیری اتاق‌ها در اطراف حیاط از جهتی دیگر به خاطر همین ساعت و زمانبندی برای ایرانی‌ها نیز بوده است.

استفاده از نور خورشید و زاویه اصلی پنجره داشته نه کوچه!

همزمان با تلفیق دو هدف اصلی در طراحی داخلی به ارسی‌های رنگی قدیمی رسیده‌اند؟! از منظر روانشناسی رنگ‌ها سه رنگ آبی، زرد و قرمز رنگ‌های اصلی و درجه اول هستند که می‌شود از تلفیق آنها رنگ‌های بعدی و درجه دوم مانند نارنجی، بنفش و سبز را به دست آورد. حتی از تلفیق رنگ‌های درجه دوم می‌توان رنگ‌های درجه سوم مانند لاجوردی، ارغوانی، مغز پسته‌ای، فیروزه‌ای و پرتقالی را ایجاد کرد. همه این‌ها در حالی است که پیشینیان مابه‌جای زحمت ایجاد رنگ‌های دسته اول، تلفیق آنها با هم و ایجاد رنگ‌های دسته دوم با نصب یک ارسی شیشه‌ای همه رنگ‌های را یکجا و در یک لحظه به رخ می‌کشاند‌اند و این از نظر من روانشناس اوج هنرنمایی است.

تأکید بر رنگ پرذاری نهای داخلی بناهای قدیمی بیشتر از آن جهت است که ما روانشناسان در کنار معماران و طراحان داخلی به این باور رسیده‌ایم که رنگ‌ها روح دارند، زنداند، در واقع رنگ‌ها کلماتی هستند که وقتی کنار هم قرار می‌گیرند درست مشابه هنر نمایی ارسی‌های می‌شوند، ناگفته نماند شیشه‌های رنگی پنجره‌های ارسی با ایجاد نورهای رنگارنگ باعث دور شدن و خارج شدن حشرات مزاحم از فضای بیرونی اتاق‌های می‌شده است.

از نظر روانشناسی رنگ‌های مختلف ارسی‌ها و ایجاد نورهای همرنگشان بر روی انسان تأثیرات مختلفی می‌گذشته که هر رنگ کنار رنگ دیگر شدت این تأثیر را خنثی یا نموده است. نکته مهم دیگر این که بیشتر رنگ‌های استفاده شده در شیشه‌های ارسی رنگ‌های سبز، زرد، لاجوردی و قرمز هستند که هر یک به تنهایی

یک تأثیر روانشناختی مجزا دارند. البته مهمترین اثر معماران قدیمی در به‌جا بکار گرفتن رنگ‌ها مختلف بوده است، اتفاقی که در بناهای امروزی و نوین کمتر به چشم می‌خورد.

آشپزخانه یکی از مهمترین بخش‌های هر خانه است که فعالیت‌های بسیاری در آن انجام می‌شود بنابراین بسیار مهم است که در فضای آشپزخانه از رنگ‌های انرژی‌دهنده، روشن و زرخشان استفاده کرد. اگر چه علم امروز می‌گوید رنگ‌های قرمز، زرد، سبز و نارنجی حس زنده بودن و شکوه را برای آشپزخانه به ارمغان می‌آورد اما همیشه یکی از رنگ‌های جذاب برای آشپزخانه رنگ آبی است.

شاید به همین دلیل است که پای ثابت آشپزخانه‌های سنتی بر خلاف امروزی‌ها، کاشی‌های آبی و فیروزه‌ای بوده است.

آنقدر که استفاده از نور و رنگ در بناهای سنتی باعث ایجاد آرامش و امنیت خاطر می‌شده کم‌وقتی در انتخاب رنگ‌های ارسی‌ها و پنجره‌ها هم می‌نواسته و حشت استرس را به دنبال داشته باشد. اما ما در هیچ نمونه بنای سنتی نمی‌بینیم که از رنگ‌های خشن یا به شدت سرد استفاده شده باشد. شاید این یکی از شگفتی‌های رنگ‌سازی و نوردهی در بناهای سنتی است.

■ «بو» عنصر غیر ملموس اما پر رنگ و ماندگار در بناهای سنتی

نمی‌دانم شما هم مثل من با مرور خاطرات نویسنده‌ها متوجه جمله «بوی کاهگل نم‌خورده...» شده‌اید؟ حقیقتاً یکی از علائم آرام‌بخش و انرژی‌دهنده در بناهای سنتی و قدیمی وجود عنصر «بو» است، من می‌دانم قدیمی‌ترها هم به اندازه این روزهای ما از وجود بوی کاهگل نم‌خورده لذت می‌بردند چرا؟ پاسخش واضح است درست کردن کاهگل برای نمای ظاهری بنا بسیار سخت بوده از طرفی دیگر مصالح در دسترس‌تری مانند چوب یا سنگ هم برای کف‌سازی حیاط وجود داشته پس چه دلیلی داشته که حتی آجرهای کف حیاط را کاهگلی ساخته‌اند؟!

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۸۴۴۷۰

سبک قدیم ترها

حریم امنی که بی در و پیکر شده!

■ **مونا هقان**

آپارتمان‌نشینی به شکل امروزی خود در دهه سوم و چهارم قرن بیستم و به دنبال جنگ اول و دوم جهانی که ویرانی‌های زیادی را بر دی داشت، در اروپا ابداع شد و دلیل آن هم این بود که در کشورهایی با مساحت محدود و تراکم جمعیت زیاد، برای خیسل عظیمی از مردم بی‌سرپناه خانه‌های ارزان قیمت و سریع ساخته شود، بنابراین اروپاییان خانه‌های خود را از حالت افقی به عمودی با تعداد واحدهای زیاد تبدیل کردند. بعد از آن، آموزش این گونه معماری بدون توجه به شرایط اقلیمی و فرهنگی وارد دانشکده‌های معماری کشور شده و روش ساختمان‌سازی جدید اروپاییان برای ایرانی‌ها تبدیل به سنت شد و پس از آن ما هم آپارتمان‌ساختیم و آپارتمان‌نشین شدیم اما تفاوتش این بود که آپارتمان‌نشینی برای ما کلاس و زندگی به سبک اروپایی بر ایمان مابه افتخار بود!

کم‌کم شکل زندگی‌ای که پسران مادر طول چندین هزار سال طراحی کرده بودند تا ایرانی بتوانند ایرانی باقی بمانند و معماری مدرن با آوردن معیارهای خاص خود ابزاری شد برای اینکه انسان ایرانی از ارزش‌های خود فاصله بگیرد و بدین ترتیب هویت، فرهنگ و آداب و رسوم و زندگی در خانه‌های ایرانی رو به فراموشی رفت تا به امروز رسیدیم.



یکی از معیارها برای به نیکی یاد کردن از دیگران، این است که می‌گوییم «در خانه‌اش به روی همه باز است.»
«این ویژگی در گذشته‌های نه چندان دور و آن زمان که هنوز آپارتمان‌نشینی رواج نداشت، پرتنگ‌تر بود. ورودی‌های متنوع، حیاط و حوض وهشتی و اتاق‌ها به روی مهمان باز بود اما شیوه زندگی امروز، باعث شده تا درها به روی هم بسته شوند



■ حریم امن زندگی

معمرد در اطراف آن و تختی در زیر درخت بید محض که قسمتی از روی حوض را پوشانده است، صدای ریزش آب از فواره وسط حوض و اتاق‌هایی در دور تا دور حیاط با پنجره‌های متشکب چوبی آذین‌شده با شیشه‌های رنگی چندر آرایش بخش است. حالا چشم‌مان را باز می‌کنم و خود را در کوچهای محصور بادبوارهای بلند از سنگ‌های مات و براق سیاه و سفید و گاهی رنگی می‌بینم. سیمان و بتون، در و قاب پنجره‌های فلزی با شیشه‌های بلند یک دست هشتی، دالان، نشیمن، تختگاه، ایوان، مهتابی، بهار خواب، صفه، شامی یا شانشاینر، طارمی، دودری، سه دری، پنجدری، شاهنشین، خوضخانه، غلام گردش و... را نام برد. این تعدد و تنوع فضا را می‌توان در بسیاری از این قبیل خانه‌ها یا اندکی تغییر مشاهده کرد. با این وصف روشن است که معماری ایرانی در طول زمان، نسبت به گذشته تاریخی خویش دچار گسست شده و نتوانسته ریشه‌های خود را حفظ کند و به زمان معاصر انتقال دهد. حریم فضا انرژی سه عاملی هستند که خانه‌های قدیمی هم بر همین اساس ساخته شده است. فضا، عاملی در جهت تسلسل و تداوم بخش‌های مختلف بوده است. حریم، رابطه انسان با خودش یا دیگران را تعیین می‌کرده و انرژی نیز عاملی بوده برای اینکه بدانیم چگونه می‌توانیم انواع چیزها را در اختیار داشته باشیم.

در خانه‌های قدیمی ایرانی هیچ کلاه نمی‌توان به شکل مستقیم از خیابان وارد فضای داخلی خانه شد. همیشه یک معبر که در بند نام دارد، فضای حائلی بین خیابان و خانه برقرار می‌کند. پس از آن سربند خانه قرار دارد. سپس به دالان یا هشتی رسید و بعد از آن حیاط که فضایی برای عموم است طراحی شده. فضاهایی که کمتر جنبه خصوصی دارند در مناطق ابتدایی حیاط قرار دارند و اتاق‌هایی که معماری دانشگاه اصفهان معتقد

است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در آخر به کار گرفتن عنصر خاطر‌انگیز و ماندگار «بو» در بکار بردن این مصالح بوده است.

فریدون محبی، استاد معماری دانشگاه اصفهان معتقد است استفاده از خشت و گل یا کاهگل در بناهای سنتی یعنی با یک تیر دو نشان زدن. اولین هدف رنگ‌پردازی متنوع در این مصالح بوده است، راحت ایجاد کردن نقش‌ها و نگاره‌های متفاوت روی بستر گلی، سحذف دوم به کار گرفتن مصالح در بناهای سنتی بوده است و در